الگوی پیشرفت و قدرتِ ایران اسلامی

مصطفی غفاری

انقلاب ایران ـ فلسفه قدرت اسلام

هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید، همراه خود چندین شگفتی را در اذهان عمومی رقم زد که هر یک موضوع مطالعات و تحقیقات بعدی درباره این رخداد شد. در قلمرو عمل، شاید مهم‌ترین شگفتی آن بود که چگونه با وجود رویکردهای نوسازی و توسعه کشور در زمان محمدرضا پهلوی، ناگهان «همه‌چیز فرو می‌پاشد» و انقلابی در جزیره ثبات منطقه رخ می‌دهد؟ اما در ساحت نظر شاید مهم‌ترین شگفتی آن بود که چگونه بعد از سال‌های اجرای سیاست‌های سکولار، یعنی دین‌زدایی از اندیشه و رفتار مردم و خلع ید عالمان دینی از قدرت، انقلابی با ماهیت دینی در ایران به پیروزی می‌رسد؟ به‌طور خلاصه پرسش این بود (و شاید هنوز هم هست) که چرا انقلاب در ایران؟ و چرا انقلاب اسلامی؟!

نگاهی به پیشینه مبارزات سیاسی و تحولات اجتماعی ایران در دوران معاصر نشان می‌دهد که جامعه ایران در لایه‌های بنیادین خود، فارغ از سودای دین نبوده و نه متأثر از روندهای این‌جهانی‌شدن و نه ناشی از سیاست‌های آمرانه این‌جهانی‌سازی، هیچ‌گاه غیر دینی نشده و اتفاقاً در بزنگاه‌هایی که امکان داشته، دین‌مداری خود را نشان داده است؛ اما نکته محوری در این میانه آن است که مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که در دست داشتن قدرت* حاکمیت، شرط لازم برای مسلمانانه زندگی کردن است. این خودآگاهی شاید نیم‌قرن پیش از این، چندان در میان بدنه مردمی آشکار و گسترده نبود؛ اما ریشه داشت و امام خمینی(ره) مبتنی بر همان ریشه‌ها، طرح حکومت اسلامی و ولایت فقیه را در انداخت.

این سخن، جان‌مایه درس‌های ولایت فقیه امام خمینی(ره) در نجف بود و یک‌دهه بعد، به نظریه پایه در ساختار سیاسی جمهوری برآمده از انقلاب اسلامی ایران تبدیل شد. امام خمینی در کتاب ولایت فقیه (حکومت اسلامی) خویش و در فصلی با عنوان «نمونه‌هایی از احکام اسلامی»، به استدلال درباره ضرورت و لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت معصوم پرداخته است؛ با این باور که علاوه بر سنت و رویه پیامبر خدا(ص) که در زمان حیات خویش حکومت تشکیل داد و برای پس از خود نیز حاکم معین کرد، مهم‌ترین دلیل بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی، «ماهیت و کیفیت قوانین اسلام» است. در واقع نگاهی به احکام شرعی، مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که این موارد، برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریع شده‌اند. از دید امام خمینی(ره)، «اولاً احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد ... و ثانیاً با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها، مستلزم تشکیل حکومت است».

امام خمینی(ره) اجرای احکام شرع را مانند احکام مالی، دفاعی، قضائی و... که به ابعاد اقتصادی، امنیتی و عدالتی یک جامعه بازمی‌گردند، مستلزم تشکیل حکومت اسلامی می‌داند. همچنین از دیدگاه ایشان «پیگیری اهداف اسلام» مانند احیای ارزش‌های معنوی و پایبندی به آن، برقراری وحدت اسلامی، نفی ظلم و دفاع از مظلومان و محرومان و... ، همگی مستلزم در دست داشتن حکومت است. در واقع از دیدگاه امام خمینی(ره)، احکام اسلام یا اساساً برای تشکیل حکومت است یا اجرای آن‌ها تنها از عهده یک حکومت برمی‌آید. علاوه بر این، دلایل متعددی که تشکیل حکومت و برقراری ولی‌امر را لازم آورده، موقتی و محدود به زمانی خاص نیستند؛ در نتیجه لزوم تشکیل حکومت همیشگی است.

بنابراین حفظ و استمرار هویت اسلامی فرد و جامعه که به‌طور بدیهی و طبیعی مستلزم پایبندی به احکام اسلام و پیگیری اهداف آن در زندگی است، به نوبه خود در گرو در دست داشتن قدرت سیاسی و برقراری حکومت اسلامی است. همین نظریه، پایه تئوریک انقلاب اسلامی بوده و نرم‌افزاری برای ساختار سیاسی برآمده از آن با عنوان جمهوری اسلامی ایران تلقی شده که در قانون اساسی کشور متجلی و متبلور است.

گفتمان علم ـ توسعه ابزارهای قدرت

چهل سال پس از چاپ و انتشار کتاب ولایت فقیه امام خمینی(ره)، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اندیشمند و رهبری برجسته، بدین نکته تصریح می‌کند که «اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۶). این سخن به شکل متفاوتی از بیان امام صورت‌بندی شده؛ اما جان کلام همان است؛ یعنی اجرای احکام و تحقق مقاصد اسلام در گرو قدرت است. با این حال آیت‌الله خامنه‌ای در طول ۲۵ سال رهبری جامعه ایران پس از امام خمینی(ره)، دست به معماری جدیدی برای قدرت در ایران زده است که بیشتر با زمانه ما همخوان و سازگار نشان می‌دهد.

سنگ بنای اصلی این معماری نوین، «نهضت نرم‌افزاری و تولید علم» است. در آستانه دهه هشتاد شمسی، هنگامی که جامعه ایران در اوج التهابات سیاسی در دولت اصلاحات به سر می‌برد، آیت‌الله خامنه‌ای با بازدیدهای مکرر و متعدد از دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور و با سخنرانی‌ها و پیام‌های خود، جامعه آموزشی ـ پژوهشی کشور را به سودای تولید علم و یافتن سهم خود در چرخه‌های علمی دنیا انداخت.